

# نگاهی به ارزیابی طرح‌های معماری

## حمید ندیمی

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان: طراحی معماری، ارزیابی طرح‌های معماری، ارزیابی کمی و کیفی، خبرگان معماری، حیثیت و هویت معماری.

### چکیده

ارزیابی طرح‌های معماری از مسائل روزمره عالم ساختمان است. رسیدن به معیارهایی که بتوان با آن طرح را سنجید دغدغه‌ای قدیمی است. با تقسیم وجه طرح معماری به کمی و کیفی می‌توان در پی معیارهایی در این دو وجه بود. وجه کمی طرح پاسخ‌گویی به برنامه و موضوع‌هایی چون دسترسی و تطبیق با اوضاع اقلیمی و آسایش فیزیکی و پایداری است. برای این وجه می‌توان معیارهایی ساخت و به زبانی مشترک رسید. وجه دیگر طرح که می‌توان آن را وجه کیفی یا وجه ناظر به کارکرد فرهنگی طرح دانست چندان معیار پذیر نیست. در اینجا باید به خبرگان عرصه رجوع کرد و در پی زبان و چشم‌اندازی مشترک میان آنان بود. آنچه در این عرصه اهمیت می‌یابد را می‌توان با دو واژه «حیثیت» و «هویت» بیان کرد.

### ۱. سخن آغازین

این مقاله حاصل طرح پژوهشی نگارنده است در دفتر فنی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی. گزارش نهایی طرح در بهار ۱۳۸۸، به سفارش دهنده طرح، کمیته تخصصی معماری و طراحی شهری شهرداری تهران، عرضه شد.<sup>۱</sup> این پژوهش، از نظر موضوع و روش‌شناسی، کیفی است و در آن چنین ابزارها و روش‌هایی را به کار گرفته‌ایم:

- جلسات ذهن‌کاوی<sup>۲</sup> هیئت علمی راهبردی متشکل از سه تن از پرسابقه‌ترین اساتید دانشکده<sup>۳</sup> و مجری طرح که محور اصلی تعیین راهبردهای پژوهش و تأمل در نتایج به دست آمده است
- مرور ادبیات موضوع ارزیابی برای تحدید چارچوبهای بحث
- بررسی تطبیقی رویه‌ها و گردشکارهای ارزیابی و تصویب طرح‌های مهم در ایران و سه کشور پیشرفته<sup>۴</sup>
- مصاحبه باز با کارشناسان مدعو کمیته تخصصی معماری و طراحی

۱. گزارش کامل این طرح پژوهشی به نام تدوین راهنمای ارزیابی طرح‌های معماری در مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی موجود است.

2. brainstorming

۳. آقایان دکتر محمود رازجویان و دکتر هادی ندیمی و دکتر اکبر زرگر.

۴. انگلیس و آمریکا و استرالیا.

## پرسش‌های تحقیق

ارزیابی طرح‌های معماری به چه عواملی وابسته است؟  
 آیا می‌توان برای ارزیابی طرح‌های معماری سازوکاری کاملاً نظام‌مند تدوین کرد؟  
 جایگاه اهل فن در ارزیابی طرح‌های معماری چیست؟

شهری برای ترسیم دیدگاه آن نهاد درباره پرسش‌های محوری پژوهش  
 - تحلیل محتوا و یافتن نکات و گزاره‌های کلیدی جلسات ذهن‌کاوی و مصاحبه‌های باز و پرسش‌های محوری پژوهش  
 - آزمون نتایج و جمع‌بندی و تحلیل اطلاعات مکتوب و غیرمکتوب، به روش «مرور همقطاران»<sup>۵</sup>.

اهداف ویژه طرح، به سبب جایگاه و رسالت کارفرما، بیشتر رویکردی کاربردی داشت، ولی در این مقاله، ارزیابی طرح‌های معماری را با نگاهی محتوایی بررسی می‌کنیم و فقط به بخشی از یافته‌های مندرج در گزارش پژوهش خواهیم پرداخت.

یافتن پاسخ پرسش‌های محوری مقاله حاضر درباره چستی مبانی ارزیابی و امکان‌پذیری تدوین سازوکاری نظام‌مند برای ارزیابی و جایگاه اهل خبره در ارزیابی طرح‌های معماری مستلزم چارچوبی نظری است که در پرتو آن، ضمن تبیین واژگان کلیدی مسئله، مقیاس و محدوده پاسخ نیز روشن شود.  
 کلیدواژه‌های این چند پرسش پیش‌فرض‌هایی را به ذهن می‌آورد:

- ارزیابی طرح یکی از حلقه‌های لاینفک ساخت‌وساز است.  
 - نقش مدارک طرح در ساخت‌وساز قطعی و تعیین‌کننده است.  
 - ارزیابی طرح‌های معماری، از دیدگاه روش‌شناسی، میان اتکا به سازوکاری نظام‌مند و اقتدا به نظر خبرگان نوسان دارد.

پیش‌فرض اول گویای طبیعت فرایند طراحی است. اگر این فرایند در قالب الگوی ایده-آزمون<sup>۶</sup> تبیین شود، می‌توان گفت طراح از همان شروع کار در گفتگویی انتقادی با خودش است و تا پایان ادامه می‌دهد. البته در نقاط عطفی از فرایند طراحی، دیگران، کاربران و کارفرما و نهادهای قانونی، طرح را از منظر نقش و مسئولیت خود ارزیابی می‌کنند. می‌توان گفت «ارزیابی طرح» جزء لاینفک فرایند طراحی و ساخت است. ارزیابی هم حلقه‌ای از فرایند اندیشیدن طراح است، هم مقدمه تصمیم‌گیری کارفرما و هم پیش‌نیاز تأیید نهادهای قانونی تصویب‌کننده طرح.

پیش‌فرض دوم ناظر به واقعیتی است که در گذار از دوران سنت به دوران جدید حاصل آمده. اساساً نیاز به طراحی یا نقشه‌ها و مدارک طرح زمانی احساس شد که جامعه همگن و الگوهای جا افتاده و توافقی معماری دیگر وجود نداشت. امروزه در فقدان آن توافق نانوشته، دیگر بدون رجوع به

## ۱-۲. رویکرد عینیت‌گرا

رویکرد نخست ارزش‌های طرح را در طرح، به مثابه اثره، مندرج می‌داند و داور را سوژه یا فاعل شناسنده می‌داند؛ کسی که به کشف و شناسایی آن ارزش‌ها می‌پردازد. در چارچوب این رویکرد اعتقاد بر آن است که تجربه عملی را می‌توان با انباشتن فهرست‌هایی از معیارها و تدوین قواعد اصلاح کرد. همه تلاش‌ها برای تدوین استانداردها یا مقررات ساختمانی مبتنی بر این رویکرد است. با اینهمه، می‌گویند ارزیابی طراحی نمی‌تواند به قدر کافی عینیت‌گرا باشد و استانداردها یا سنجه‌های قاطعی برای نقد در کارگاه طراحی وجود ندارد.

## ۲-۲. رویکرد تأویلی

رویکرد تأویلی یا تأویل‌گرا عینیت‌گرایی را اساساً امری محال می‌داند.<sup>۱۰</sup> حال اگر بر این اساس بپذیریم که ارزیابی امری ذهنیت‌گرایانه است و عینیت‌گرایی امری محال، ارزیابی فقط معرف عقیده شخصی داور خواهد بود و بیم آن است که ذهنیت‌گرایی محض به نوعی هرج‌ومرج منتهی شود. در چنین زمینه‌ای، این پرسش طرح می‌شود که داوری عادلانه چگونه ممکن می‌شود؟ این معمای است همیشگی پیش روی داوری طرح‌های معماری.

از این دو رویکرد، رویکرد دوم، همانگونه که از نامش پیداست، داوری طرح، از جمله طرح معماری را، با تأکید بر وجوه کیفی و ارزشی آن، امری تأویلی و وابسته به ذهنیت داور می‌داند. این بدان معنی است که بر اساس این دیدگاه ارتباط طرح با داور نظیر ارتباط متن با خواننده است و معنا نه در متن است و نه در داور (خواننده)، بلکه در تعامل آن دو ظهور می‌یابد. در این رویکرد، تأکید اصلی بر فهم ضمنی ارزش‌های طرح است که این فهم ضمنی در جمع خبرگان حرفه، به مثابه جامعه تأویلی، مشترک است.<sup>۱۱</sup>

نقشه‌ها و مدارک طرح که در حقیقت دستورالعمل‌های ساخت است، مدیریت فرایند ساخت ناممکن است و «داشتن طرح یا پیشنهادی قطعی و روشن که قابل بحث، اصلاح و ساخت باشد، به صورت یک نیاز گریزناپذیر و حتی یک ضرورت قانونی در آمده است».<sup>۷</sup>

خلاء ناشی از حذف توافقی‌های ناگفته را دولت‌ها با وضع و اعمال قوانین و مقررات ساختمانی و شهرسازی پر می‌کنند و از این راه میکوشند تا قیود مختلف کار را هماهنگ کنند.<sup>۸</sup>

پیش فرض سوم ناظر بر این حقیقت است که با آنکه ارزیابی طرح‌های معماری از جنس کیفی است و وجه هنری اثر معماری داوری ارزشی درباره آن را متکی بر پسند و سلیقه داوران می‌کند، شاید بتوان وجوهی از طراحی را با راه و روشی نظام‌مند و از پیش تدوین شده ارزیابی کرد و سهم تأثیر پسند و سلیقه فردی داوران را کاهش داد. حاصل پیگیری این جریان تدوین معیارهایی کمی است که بتوان با آن بسیاری از وجوه طرح را سنجید؛ وجوهی مانند سازه و شبکه دسترسی و سامانه‌های تنظیم اوضاع محیطی و میزان پاسخگویی طرح به کارکردهای مندرج در برنامه.<sup>۹</sup>

با پذیرش این مفروضات، برای روشن شدن دامنه بحث، باید آن دسته از وجوه طرح معماری را، که به نحوی قابلیت سنجش با معیارهای ملموس دارد، از وجوه کیفی آن تمیز داد. این مقاله بیشتر ناظر بر وجوه میانی طیفی است که دو سر آن وجوه کیفی و کمی طراحی معماری است.

## ۲. رویکردهای ارزیابی طرح

در ادبیات ارزیابی طراحی دو الگو یا رویکرد برای ارزیابی طرح قابل تشخیص است:

- رویکرد عینیت‌گرا<sup>۱۰</sup>

- رویکرد تأویلی<sup>۱۱</sup>

۷ پی‌یر فن مایس، عناصر معماری، از صورت تا مکان، ص ۲۰۵. همان‌جا.

۹ جان لنگ، آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ص ۷۸.

10. objective

11. hermeneutic

12. A. Snodgrass, *Interpretation in Architecture, design as a way of thinking*, p.119.

13. Ibid, pp. 124-126

۱۴. تحت عناوینی نظیر design assessment, environmental impact assessment

در این دیدگاه هرگز قواعد آنقدر وضوح نمی‌یابند که به داور بگویند در هر مورد چه باید بکند و به همین ترتیب آنچه داور از رهگذر تجربه آموخته است قابل بیان در سلسله‌ای از قواعد نیست. قواعد و معیارهای تدوین شده نیز، در هر نوع ارزیابی، توسط داور و با دانش ضمنی برخواسته از تجربه او تأویل و به کار بسته می‌شود.

## ۲-۳. کدام رویکرد؟

صرف نظر از چپستی اختلاف در مبانی این دو رویکرد، که بحث آن از این مقاله خارج است، گویا هر یک از این دو متوجه وجهی از وجوه طراحی است. اگر بخواهیم ارزیابی طراحی، که امری است چندوجهی، همه‌جانبه انجام شود، استفاده از هر دو رویکرد ضروری و قابل توصیه است.

طراحی از یک سو وجوهی هنری و زیبایی‌شناسانه و فرهنگی دارد، که نیازمند فهم و ارزیابی کاملاً کیفی و ارزشی است، و از سوی دیگر دارای وجوهی مهندسی و مادی است که مستلزم اندازه‌گیری‌های دقیق و نگاهی کمی و عینیت‌گرا است. آنچه نهادهای قانونی و مشاوران امین آنها در سنجش و ارزیابی طراحی می‌کنند<sup>۱۴</sup> غالباً ناظر بر همین وجوه کمی است که در قالب استانداردها و مقررات ساختمانی تدوین و اعمال می‌شود: وجوهی نظیر رعایت استحکام و پایداری سازه و سازگاری با شرایط اقلیمی و صرفه‌جویی در مصرف انرژی و رعایت حدود تعیین شده در اسناد فرادست شهری.

هر جا که به عللی ارزیابی کیفی در میان باشد (مثلاً درباره بناهای پراهمیت یا مسابقات معماری)، ناگزیر علاوه بر سنجش‌های کمی، ارزیابی نهایی کار را به خبرگان می‌سپرند. در حقیقت الگو یا رویکرد دوم اتخاذ می‌شود که متکی بر فهم ضمنی اهل نظر، یا به عبارتی جامعه تأویلی،<sup>۱۵</sup> حرفه معماری است.

در نگاهی دقیق‌تر، اگر ارزش‌های طراحی را بر طیفی تصور کنیم که یک سر آن ارزش‌های کاملاً کمی (اندازه‌ها و استانداردها و ...) و سر دیگر آن ارزش‌های کیفی (زیبایی و شاعرانگی و ارزش‌های فرهنگی و ...) است، هرچه به سمت ارزش‌های کمی پیش رویم نگاه عینی و معیارهای اندازه‌گیری دقیق و در نتیجه استانداردها و مقررات ساختمانی تفصیلی بیشتر به کار می‌آید و هر چه به سر دیگر طیف یعنی ارزش‌های کیفی نزدیک شویم اتکا به تشخیص و توافق اهل نظر گریزناپذیرتر خواهد بود.

نکته مهم آن است که رعایت استانداردهای کمی خود ضامن وجوهی از کیفیت است و اساساً تدوین استانداردها جزئی از فرایند کنترل کیفیت به حساب می‌آید. مسیر تدوین مقررات ساختمانی،<sup>۱۶</sup> که فرایند رسیدن به توافق جمعی<sup>۱۷</sup> خبرگان حرفه بر ضوابط و معیارهای صحت و کیفیت است، خود شاهد این نکته است.<sup>۱۸</sup>

## ۳. الگوهای ارزیابی معماری

فارغ از آنکه ارزیابی کیفی یا کمی است، برای تشخیص وجوه طرح‌های معماری، باید کار کردها یا وظایف معماری را احصا کرد؛ زیرا توقعی که از کارکرد شیء وجود دارد بهترین ملاک ارزیابی آن است. پذیرفتنی است که ارزیابی طرح‌های معماری از نوع «ارزیابی ملاکی» است<sup>۱۹</sup> و این بدان معناست که هر جا صحبت از ارزیابی طرح معماری است، وجود نوعی ویژگی‌های آرمانی برای معماری مطلوب مفروض است؛ ویژگی‌هایی که طرح را در قیاس با آن می‌سنجیم. در حقیقت این ویژگی‌های آرمانی همان «ملاک»های مشترک خبرگان است. ممکن است این ملاک‌ها در قالب مقررات مکتوب و مصوب مطرح شود یا در مرتبه دانش ضمنی مشترک اهل فن بماند. به تعبیر دیگر، ارزیابی طرح، مثل هر ارزیابی دیگر، عبارت است از مقایسه «آنچه هست» یا طرح موجود، با «آنچه باید باشد» یا وضعیت آرمانی.

### 15. hermeneutical community

جامعه تأویلی به گروهی اطلاق می‌شود که به نوعی در تأویل خاصی اشتراک دارند. اعضای چنین جامعه‌ای فهم مشترکی دارند که در عمل آموخته‌اند و آنها را قادر می‌کند از کاربرد صرف قواعد و مقررات آموخته شده فراتر بروند و به موقعیت ارزیابی، با تشخیص اصلی‌ترین وجوهش، بلافاصله و بدون نیاز به اندیشیدن پاسخ دهند.

(A. Snodgrass, *Interpretation in Architecture, design as a way of thinking*, pp. 124-126)

### 16. building codes

### 17. consensus

۱۸. برای فرایند تدوین مقررات ساختمانی در مقیاس بین‌المللی، نک: the ICC Code Development Process، در سایت ICC به نشانی <http://www.iccsafe.org>

۱۹. البته با استثناهایی نظیر داوری مسابقات معماری یا ارزیابی طرح‌های دانشجویان در کارگاه‌های آموزشی که در آنها ارزیابی ملاکی - هنجاری مطرح است و طرح‌ها را در مقایسه با هم نیز بررسی و ارزیابی می‌کنند.

است که وجه منابع را (مالی، زمانی، طبیعی، انسانی) نیز به آن افزوده‌اند. دی‌کی‌وی منشأ بحث‌های زیادی میان ذی‌نفعان عرصه ساخت‌وساز شده و ضعف‌های روش‌شناسانه‌ای نیز دارد.<sup>۲۴</sup>

### ۳-۲. الگوی برادبنت

یکی از الگوهای پیشنهادی برای ارزیابی معماری، که سال‌هاست رایج است، مدل پنج‌وجهی برادبنت است. او آن را نخستین بار در ویرایش ۱۹۷۷ کتاب طراحی در معماری<sup>۲۵</sup> عرضه کرده و هم اکنون نیز آن را روزآمد می‌داند.<sup>۲۶</sup>

در این الگو، برادبنت پنج کارکرد<sup>۲۷</sup> برای معماری ذکر می‌کند؛ کارکردهایی که می‌توان ملاک ارزیابی معماری دانست. این کارکردها اینهاست:

- پاسخگویی به فعالیت‌های انسان،<sup>۲۸</sup> تناسب فضاها با الگوهای رفتاری و فعالیت‌های زندگی فردی و اجتماعی انسانی  
- حفاظت برابر عوامل مزاحم و ناملايمات محیطی،<sup>۲۹</sup> حفاظت فضاهای زندگی انسان از ناملايمات جوی و اقلیمی و حیوانات موزی و تجاوز انسان‌ها.

- دلالت فرهنگی،<sup>۳۰</sup> معناداری بنا برای همه آنها که در ارتباط با آن‌اند

- کارکرد اقتصادی،<sup>۳۱</sup> قابل توجیه بودن هزینه‌های ساخت و مدیریت و تعمیر و نگهداری بنا

- اثرگذاری محیطی،<sup>۳۲</sup> مهار تأثیرات منفی بنا بر محیط طبیعی و بناهای همجوار

سه‌گانه ویتروویوس نیز در این الگو مندرج است. می‌توان تصور کرد اگر بنایی و طرحی از محک پنج کارکرد فوق سربلند بیرون آید بنایی موفق ارزیابی خواهد شد. هر یک از ملاک‌های پنج‌گانه برادبنت معیار سنجش و شیوه ارزیابی ویژه‌ای دارد.

در عرصه ادبیات سنجش طراحی،<sup>۳۳</sup> شاهد تلاش‌های بسیاری برای تدوین روش‌های سنجش توفیق طرح‌های

آنچه همواره دل‌مشغولی نظریه‌پردازان حوزه معماری بوده است همین «آنچه باید باشد» معماری است که می‌تواند مبنای الگوهای ارزیابی معماری باشد. در ادامه به دو نمونه از این الگوها می‌پردازیم.

### ۳-۱. الگوی ویتروویوس

بررسی همه الگوهای ارزیابی در ظرفیت این مقاله نیست، اما یکی از قدیمی‌ترین پاسخ‌های ثبت شده به این پرسش مدل سه‌وجهی ویتروویوس است که از آن زمان منبع الهام مبنای نظری معماری بوده و اکنون نیز نزد بسیاری از نظریه‌پردازان اعتبار خود را حفظ کرده است. این سه وجه، یعنی سه‌گانه استحکام و سودمندی و زیبایی، در حقیقت وظایف بنا یا معماری را چنین معرفی می‌کند:

- تأمین سریناه محکم و ماندگار در برابر نیروهای تخریبی و فرسایشی محیط طبیعی و انسانی

- پاسخگویی به نیازهای عملکردی زندگی انسان

- ارضای نیاز معنوی انسان به محیطی فرحبخش و زیبا.

این‌ها به تعبیر امروزی، ناظر بر تأمین امنیت و آسایش جسمی و روحی انسان است.

برای بیان چپستی وظایف معماری و در نتیجه وجوه قابل ارزیابی آن پیشنهادهای دیگری هم هست. پراساد کیفیت طراحی را حصول تمامیتی می‌داند که فراتر از اجزاست.<sup>۳۰</sup> او معتقد است که کیفیت طراحی زمانی حاصل می‌شود که هر سه وجه کیفی کاربرد و ساخت و تأثیرگذاری (نوعی تفسیر از سه‌گانه سودمندی و استحکام و زیبایی) با هم چون زمینه‌هایی هم‌پوشان کار کنند. کار ممتاز زمانی ظهور می‌یابد که در هر سه وجه کیفیت به اوج برسد.<sup>۳۱</sup>

اخیراً «شورای صنعت ساخت»<sup>۳۲</sup> انگلستان ابزاری برای سنجش کیفیت طراحی تدوین کرده است: شاخص کیفیت طراحی (دی‌کی‌وی).<sup>۳۳</sup> مینا در واقع همان سه‌گانه ویتروویوس

20. S. Prasad, "clarifying Intentions; the design quality Indicator".

21. L. Volker, "Deciding about design quality; Design perception during a European tendering procedure".

22. Construction Industry Council

23. Design Quality Indicator: DQI

24. S. Prasad, "clarifying Intentions; the design quality Indicator".

25. Design in Architecture

۲۶. اشاره به پاسخ وی به این پرسش که چه تجدید نظرهایی باید در آن الگو اعمال شود. (نک: پیشگفتار کتاب با برادبنت، درباره معماری)

27. function

28. fit of spaces to activities

29. environmental filtering

30. Cultural symbolism

31. Economic performance

32. environmental impact

33. design assessment

معماری هستیم؛ توفیق با ملاک‌های پذیرفته شده «معماری مطلوب».

### ۳-۳. ضرورت نگاه کل‌نگر در ارزیابی

پرسشی که الگوهای ارزیابی طراحی با آن مواجه‌اند این است که آیا شناسایی کامل ملاک‌های ناظر بر وجوه معماری مطلوب ممکن است؟ و ثانیاً آیا می‌توان برای تک‌تک آن ملاک‌ها معیارهای قابل اندازه‌گیری تراشید؟

تدوین سازوکاری کاملاً نظام‌مند برای ارزیابی طرح‌های معماری مشروط به مثبت بودن پاسخ این دو پرسش است.

کاستی‌ها و محدودیت این الگوها، در ارزیابی همه‌جانبه کیفیت‌های پیچیده‌ای که مطلوبیت و ماندگاری معماری در گرو آنهاست، بر کسی پوشیده نیست، ولی هریک از روش‌ها در محدوده خود ابزار سنجش «بخشی» از ارزش‌های طرح است. نکته مهم این است که داوری نهایی طرح‌ها، اگر بخواهیم همه‌جانبه باشد، نیاز به نگاهی ارزشی و کل‌نگر دارد که فراتر از این الگوهاست. به تعبیر لاوسون<sup>۳۴</sup> «از آنجا که در طراحی اکثراً متغیرهای بسیاری با یک معیار قابل اندازه‌گیری نیستند، داوری ارزشی گریزناپذیر بنظر می‌رسد»<sup>۳۵</sup> اتکای انحصاری بر سنجش‌های کمی، که بر اساس استانداردهاست، داوری نهایی را خدشه‌دار می‌کند. «استفاده از استانداردها باعث می‌شود هدف شایسته تدارک متفاوت در شرایط متفاوت نقش بر آب شود»<sup>۳۶</sup> اینجاست که رجوع به اهل فن که قاعدتاً حامل نظام ارزشی

جامعه‌اند ضروری می‌نماید. درباره طرح‌های با اهمیت، که در آنها صیانت از ارزش‌های کیفی در پرده اول ارزیابی است، توجه به این نکته، یعنی متوقف نشدن در مرتبه استانداردها و مقررات، بسیار مهم خواهد بود. به تعبیر لاوسون، «کیفیت‌های طراحی خوب در استانداردهای کمی گنجانده نمی‌شود ... متصدیان نظارت حق دارند که تدارک مناسب برای مثلاً خلوت خصوصی یا دسترسی یا بازی بچه‌ها یا سکوت و آرامش را

مطالبه کنند. اما تحمیل سلسله کمیت‌های خاص به صورت شروط، مطلب دیگری است که نتایج حاصل از طراحی آن را توجیه نمی‌کند»<sup>۳۷</sup>.

نهادهای قانونی به سبب سازوکاری که برای مواجهه با مراجعات شهروندان برای اخذ تصویب طرح‌ها دارند، ترجیح می‌دهند با کمیت‌ها و استانداردهای مصوب کار کنند. اعمال احکامی که در قالب آیین‌نامه‌های لازم‌الاجرا تدوین شده باشد، کار ارزیاب‌ها را ساده و مطمئن تر می‌کند. اما نباید فراموش کرد که آیین‌نامه نوشتن و تدوین استانداردها فقط وقتی ممکن است که اندازه‌گیری ممکن باشد و اساساً آیین‌نامه نوشتن برای کیفیت بسیار دشوار است.

تدوین آیین‌نامه‌ها، با کاستی‌هایی که برشمرده شد، ناگزیر همچنان ادامه می‌یابد. گو اینکه این آیین‌نامه‌ها به روایت لاوسون «بیشتر به درد کسانی می‌خورد که کارشان بازمینی و نظارت است نه آنها که به طراحی مشغول‌اند. متصدی بازمینی خواستار آزمونی ساده و ترجیحاً به صورت عدد و رقم است که به راحتی و بر اساس شواهد روشن و بی ابهام بتوان اعمال کرد. وی همچنین ترجیح می‌دهد که مجبور نباشد در زمان واحد بیش از یک چیز را در نظر بگیرد». لاوسون در ادامه از تفاوت تأمل برانگیز خواسته طراح در مقایسه با کارشناس ارزیابی می‌گوید و می‌افزاید: «البته خواسته طراح درست نقطه مقابل این است. قضیه از این قرار است که آیین‌نامه غالباً طراحی را دشوار می‌کند. این بدان دلیل نیست که آیین‌نامه‌ها استانداردهای عمل را تحمیل می‌کنند، که ممکن است بسیار هم مطلوب باشد، دلیل آن انعطاف‌ناپذیری این آیین‌نامه‌ها در مقابل فرایندی ارزشی و چند بعدی چون طراحی است»<sup>۳۸</sup>.

در نگاهی کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که همه شیوه‌های سنجش و اندازه‌گیری ملاک‌های طراحی مطلوب علاوه بر اینکه شرط لازم ارزیابی و داوری‌اند، در محدوده خود مفید و کارساز نیز هستند. اما شرط کافی برای داوری همه‌جانبه

34 . Lawson

۳۵. برایان لاوسون، طراحان چگونه

می‌اندیشند، ص ۹۱.

۳۶. همان، ص ۸۷.

۳۷. همان، ص ۸۷-۸۸.

۳۸. همان، ص ۸۸.



که نقش تعیین کننده داور احراز می شود. در حقیقت قوانین و مقررات تدوین شده به تناسب هر موقعیت ارزیابی در ذهن داور باتجربه تفسیر و تأویلی نو خواهد داشت. به تعبیر کتاب تأویل در معماری، «داور مجرب» مقرراتی معین را در همه موقعیتها یکسان به کار نمی برد، بلکه آن مقررات را در پرتو تجربه خویش از موارد پیشین، متناسب با هر مورد منحصرأ تأویل می کند. چنین داوری، در پرتو روح مقررات، آن را در موقعیت های متفاوت، گونه گون به کار می برد.<sup>۴۲</sup>

البته این امر بدان معنی نیست که داوران منحصرأ با فهم خودشان داوری می کنند. بلکه معرف این واقعیت است که داور خوب فهم خود را در تفسیر قانون به کار می برد و در عین حال قانون را هم در فهم خود به کار می گیرد. از سوی دیگر فهم داور از دانش ضمنی او سرچشمه می گیرد و دانش ضمنی نیز حاصل امتداد تجربه و تعامل مستمر با کار حرفه ای و اهل حرفه است. از این رو نظر داور مجرب موضع شخصی نیست و به نوعی متکی بر هنجارهای مشترک «جامعه تأویلی» و فهم درونی شده از قواعد و مقررات است. پذیرش این واقعیت اعتبار داوری اهل فن را تأکید می کند؛ با اینکه با هنجارهای عینیت گرایانه کاملاً منطبق نیست.<sup>۴۳</sup>

این اشارات مؤید این نکته است که اولاً ارزیابی کیفی معماری حاوی مراتبی فراتر از سنجش های کمی است و ثانیاً داوری در آن مراتب فقط با فراست خبرگان با تجربه محقق می شود.

#### ۴-۲. ویژگی های داور و چشم انداز مشترک داوران

داوران ارزیابی کیفی یا خبرگان را با واژه هایی نظیر «صاحب اثر» و «صاحب نظر» و «بافراست» و «انعطاف پذیر» و «حامی حقوق عامه» توصیف می کنیم.<sup>۴۴</sup> به این ویژگی ها که حاصل تجربه کار عملی و پژوهش و آموزش است، می توان این مهم ترین ویژگی

رجوع به خبرگان پذیرفته جامعه است. از این طریق می توان انتخاب ها را به سمتی هدایت کرد که کیفیت هایی از لایه های پیچیده تر فرهنگی و ارزشی جامعه را نیز در بر گیرد.

از پنج کارکردی که برادبنت در الگوی خود آورده است «دلالت فرهنگی»، که ناظر بر معناداری معماری است، بیش از سایر کارکردها به وجوه کیفی معماری مربوط می شود. به همان نسبت نیز بیش از همه به توافق جمعی اهل فن متکی است. به نظر او هر پنج کارکرد، به استثنای دلالت فرهنگی، قابل رایانه ای شدن است. او بهترین راه مواجهه با دشواری های ارزیابی دلالت فرهنگی را استفاده از ابزارهای برگرفته از دانش نشانه شناسی<sup>۳۹</sup> می داند.<sup>۴۰</sup>

#### ۴-۴. ارزیابی کیفیت و کیفیت داوری

همان طور که پیش از این گفتیم، وجود ابعاد کیفی و ارزشی و هنری معماری سهم نظر داوران خبره را در فرایند ارزیابی پررنگ تر می کند. همین سهم ناگزیر توجیه کننده اهمیت نقش داوران و صلاحیت های خاص فردی و چشم انداز مشترک آنان است.

#### ۴-۱. اهمیت نقش داوران

آن طور که از ادبیات مربوط به ارزیابی معماری بر می آید،<sup>۴۱</sup> و تجربه عملی شرکت در جلسات داوری طرح ها نیز آن را تأیید می کند، ارزیابی کیفی طرح معماری نه بر اساس فهرست ها یا قواعد از پیش تعیین شده، که با اتکا به استنباط و تشخیص با فراست خبرگان ممکن است. البته این به معنای بی اعتباری معیارها و قواعد نیست، که ناظر بر این واقعیت است که فقط در شرایط عملی می توان قواعد را فهمید. این معیارها و قواعد در عمل وابسته به شرایط و سیال اند و در هر وضعیت ارزیابی، تفسیری نو می یابند. دیگر آنکه این معیارها و قواعد دقیقاً به داور نمی گوید که چگونه عمل کند. بر این مبناست

39. semiotics

۴۰. نک: پیشگفتار کتاب با برادبنت، درباره معماری.

۴۱. نک: فصل ۱ و مقدمه فصل ۲ از گزارش پژوهش.

42. A. Snodgrass, *Interpretation in Architecture, design as a way of thinking*, p.61.

۴۳. اعضای کمیته تخصصی معماری و طراحی شهری نیز در پاسخ گفتارهای خود هریک به تعبیری به این نکته اشاره کرده اند. (نک: بخش ۲-۲ از گزارش پژوهش، جمع بندی تحلیلی گفتارها، ص ۵۱)  
۴۴. نک: بخش ۲.۲ از گزارش طرح پژوهشی، تحلیل پاسخ گفتارهای اعضای کمیته تخصصی معماری و طراحی شهری.

را نیز افزود که اعضای چنین نهاد تعیین‌کننده‌ای باید معرف ارزش‌های فرهنگی والای جامعه و دارای سنخیت عمیق با آن ارزش‌ها باشند.

علاوه بر ویژگی‌های فردی اعضای نهاد ارزیابی کیفی، که بی‌شک در اعتبار بخشیدن به داوری آن نهاد مؤثر است، صرف‌نظر از مقیاس داوری، وجود نوعی هم‌زمانی و چشم‌انداز مشترک نیز از ضروریات انسجام و استحکام بخشیدن به برآیند نظرات نهاد، در جایگاه «جامعه تأویلی» است. در داوری کیفی معماری، این چشم‌انداز مشترک در حقیقت تصویری از وضعیت مطلوب معماری و برآیند نظرات خبرگان است. باید آن را در قالب گزاره‌های کلیدی کوتاه و قابل درک و به‌خاطرماندنی تألیف و بیان کرد. درباره‌ی ترسیم چشم‌اندازی از وضعیت مطلوب معماری، از پاسخ‌گفتارهای اعضای کمیته تخصصی معماری و طراحی شهری این تعابیر کلیدی بیرون آمد: تحقق‌پذیری و ماندگاری و نفاست و هویت انسان‌ساخت و بامعنایی و غنای حسی و شخصیت بصری.

بخش عمده‌ای از زمان جلسات ذهن‌کاوی هیئت علمی طرح نیز صرف مباحثه در مبادی و مبانی کیفیت در معماری شد و اینکه برای بیان مؤثر و کوتاه و زاینده‌ی آن، کلیدواژه‌هایی یافت شود که دامنه‌ی وجوه معنایی کیفیت معماری را پوشش دهد.

حاصل جمع‌بندی جلسات ذهن‌کاوی هیئت علمی طرح پیشنهاد دو کلیدواژه «حیثیت» و «هویت» است که، با تعاریفی که در پی خواهد آمد، چشم‌انداز ارزیابی کیفی در مقیاس طرح‌های مهم را روشن می‌کند. پیش از آوردن گزاره‌های کوتاهی در بیان وجوه معنایی این دو کلیدواژه، یادآوری چند نکته خالی از فایده نیست.

تمایز قابل شدن میان وجوه کمی و کیفی طراحی اعتباری است و نباید از نظر دور داشت که ارزیابی ذاتاً کیفی است و وجوه به اصطلاح کمی طرح نیز در واقع در خدمت معرفی کیفیت یا چونی و چگونگی طرح است.<sup>۴۵</sup>

تلاش انسان در طول تاریخ برای آنکه کیفیت‌ها را با ابداع ملاک‌های کمی قابل سنجش کند کاملاً موجه و در راه انضباط بخشیدن و ساده‌تر کردن فرایند ارزیابی بوده است. جریان مستمر استانداردسازی و تدوین مقررات ساخت در همین بستر است.

چون این جریان همیشه با تجزیه‌ی امر کلی به جزئیات و نیز نوعی کاهش‌گرایی منطقی همراه است، ارزیابی کامل و درست هیچ‌گاه از نگاه کل‌نگر و شهودی و متکی به آگاهی ضمنی اهل فن بی‌نیاز نیست.

ارزیابی کلی که شهودی است و متکی به آگاهی ضمنی در طول سنجش‌های کمی طراحی است نه در عرض آن. به تعبیر دیگر اگر سنجش‌های کمی شرط لازم برای ارزیابی درست باشد، ارزیابی کلی اهل فن شرط لازم و کافی آن است.

ارزیابی کیفی اهل فن متوجه وجوهی از کیفیت است که یا اساساً به کمیت‌های قابل اندازه‌گیری تبدیل‌شدنی نیست یا هنوز ابزار اندازه‌گیری آن ایجاد نشده است.

در ادامه، با اتکا به مباحث جلسات ذهن‌کاوی و نتایج دو پاسخ‌گفتار<sup>۴۶</sup> حاصل «مرور هم‌قطاران»، جمع‌بندی فشرده‌ای از مفاهیم کلیدی مربوط به دو واژه «حیثیت» و «هویت» عرضه خواهد شد.

## ۵. مراتب «حیثیت» و «هویت» در ارزیابی کیفی طرح

در اینجا برای آنکه وجوه دو کلیدواژه حیثیت و هویت روشن شود آنها را با سه متغیر اصلی و مهم طراحی معماری تبیین می‌کنیم. در هر فرایند طراحی سه متغیر زیر نقش تعیین‌کننده دارد:<sup>۴۷</sup>

- بستر، در همه‌ی مقیاس‌های کلان و خرد و همه‌ی وجوه کالبدی و اجتماعی و فرهنگی و زمانی و ...
- موضوع، با همه‌ی ایجابات کمی و کیفی و معنایی آن
- طراح، با همه‌ی دانش و تجربه و سلیقه و توانایی‌اش.

۴۵. فرهنگ معین واژه کیفیت را این گونه معنا می‌کند: چگونگی، چونی (جلد سوم) فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۶۳

۴۶. این دو پاسخ‌گفتار حاصل مصاحبه‌هایی است با دو تن از اعضای هیئت علمی طرح، آقایان دکتر محمود رازجویان و دکتر هادی ندیمی، پس از سلسله جلسات ذهن‌کاوی در مراحل انتهایی کار و می‌توان آن را جمع‌بندی و حاصل مباحث جلسات به حساب آورد. برای متن پاسخ‌گفتارها نک: بخش ۱۱.۳ از گزارش پژوهش.

۴۷. البته متغیرهای دیگری نظیر کارفرما و کاربران و نهادهای قانونی و مقررات نیز در شکل‌گیری طرح اثر دارد اما همه‌ی این متغیرها را می‌شود در جبهه ارزیابی و تصویب و تأمین اعتبار قرار داد از دامنه بحث حاضر بر وجوه کیفی طرح معماری خارج انگاشت یا لااقل در پرده‌های بعدی قرار داد.

۴۸. فرهنگ فارسی معین.



متغیرهای اصلی طرح	واژه‌ها و عبارات تبیین‌گر		
	بستر کالبدی	همزیستی با زمین و بستر، همسایگی‌ها، چشم اندازها، افق، آسمان و اقلیم	
بستر طرح	بستر اجتماعی	توجه به الگوهای رفتاری و آداب و مناسبات اجتماعی همخوانی با گروه اجتماعی بهره‌بردار	
	بستر فرهنگی تاریخی	توجه به مؤلفه‌های فرهنگی تاریخی بستر طرح، توجه به کهن الگوهای ریشه‌دار در آب و خاک	
	بستر زمانی	ماندگاری و مانایی، تاریخ مصرف نداشتن، حرکت رو به کمال، استعداد عمرپذیری و نمایش قدمت	
موضوع طرح	تجلی گوهره عملکرد، همخوانی صورت طرح با محتوای عملکردی موضوع		

ت ۱. جدول وجوه حیثیت<sup>۵۰</sup>

تحقق وحدت و انسجام در پاسخگویی به مقتضیات گاه متضاد بستر و موضوع بسنجیم. این انسجام نشانه قدرت طراح در ایجاد الفت میان اجزای اثر است: خلق تألیف یا ترکیبی چشم‌نواز (ن)<sup>۴۹</sup> یا رسیدن به کل واحدی (ر) که در همه لایه‌های اثر حضور دارد. لازمه رسیدن به چنین وحدت و انسجامی توجه و وزن دادن درست به مؤلفه‌های بستر و موضوع است، چه در مرحله برنامه‌ریزی و چه در مرحله طراحی. برای تبیین مفهوم حیثیت در قالب مؤلفه‌های بستر و موضوع با تعابیری کوتاه و رسا، از جدول «ت ۱» بهره جسته‌ایم.

آنچه در این جدول در قالب واژه‌ها و عبارات کوتاه بیان شده، تبیین وجوه حیثیت است و دامنه توجه داوران اهل فن را نیز مشخص می‌کند. هریک از واژه‌ها و عباراتی که در تبیین وجوه حیثیت آمده گستره معنایی خاصی دارد که نزد اهل حرفه آشناست. هرچه تأویل و تفسیر خبرگان حرفه از این واژه‌ها و عبارات به هم نزدیک‌تر شود، در سایه این هم‌زمانی، رسیدن به نوعی اجماع آسان‌تر خواهد بود.

وجوه «حیثیت» ناظر بر همسازی طرح با مؤلفه‌های بستر کالبدی و بستر اجتماعی و بستر فرهنگی و بستر زمانی است. می‌توان برای طرح وجوه عمیق‌تری نیز قائل شد که ناظر بر هماهنگی و وفاق طرح با بستر هستی است (ن). این وجوه متعالی را با کلید واژه «هویت» بیان می‌کنیم. البته ممکن است

در تعریفی کلی، طراح کسی است که، با اتکا بر همه دانش و توانش و بینش خود، برای موضوع طرح، که از جنس زندگی و برای انسان است، کالبدی در بستری معین طراحی می‌کند. بنابراین بدیهی است که در این فرایند، ویژگی‌ها و مقتضیات موضوع و بستر تأثیر انکارناپذیر دارد. از آن مهم‌تر خود طراح است که در فهم و تفسیر درست آن مقتضیات و در پاسخگویی موزون و منسجم و باکیفیت به آن مقتضیات نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند.

در ادامه به جمع‌بندی و دسته‌بندی فشرده‌ای از نکات برآمده از جلسات ذهن‌کاوی در باب دو کلیدواژه حیثیت و هویت می‌پردازیم.

کلیدواژه حیثیت برای معرفی وجوهی از طرح انتخاب شده که در میانه پیوستار کمیت-کیفیت است؛ وجوهی که نه کاملاً قابل استاندارد شدن و سنجش با معیارهای کمی است و نه کاملاً دور از درک و بیان اهل فن. معانی فرهنگنامه‌ای این واژه چنین است: وضع، اسلوب، اعتبار، آبرو.<sup>۴۸</sup> از معانی این واژه بر می‌آید که هم وضعیت و اسلوب شکل‌گیری و ساختار و انسجام درونی شیء را شامل می‌شود و هم اعتبار و آبرو و شأن و وجهه بیرونی شیء در نظر دیگران را.

اگر به فرایند طراحی و سه‌گانه بستر و موضوع و طراح بنگریم، می‌توانیم حیثیت اثر معماری را با میزان توفیق طراح در

۴۹. در جمع‌بندی، گزاره‌هایی که از دو پاسخ‌گفتار هیئت علمی طرح نقل می‌شود با علامت (ن) برای دکتر هادی ندیمی و (ر) برای دکتر محمود رازجویان مشخص شده‌است.  
۵۰. این جدول حاصل پاسخ‌گفتار دکتر محمود رازجویان است.

همسازی با نظمی که قوام بخش هستی است	تعادل	وجوه هویت
قدرت تألیفی اثر، به وحدت رساندن کثرت‌ها. هویت واحد یافتن جزء و کل	وحدت یافتگی	
مراققت و الفت میان انسان و اثر	باهم بودگی	
در مقابل خودنمایی که ضد هویت است. خروج از «خود» و نسبت داشتن با «هو»	حقیقت نمایی	

ارزش‌های کیفی اثر را فراتر از زمان و مکان می‌برد؛ گویی جزیی از هستی است.

## ۶. چند نکته پایانی

آنچه گذشت پیشنهاد و تبیین کلیدواژه‌هایی بود که چتر معنایی آنها بیشترین وجوه کیفی طرح‌های معماری را پوشش می‌دهد و می‌توان آنها را چشم‌انداز مشترک دآوری کیفی دانست.

گزاره‌هایی که در تبیین وجوه حیثیت و هویت بیان شد «مقدمه» ایجاد چشم‌انداز مشترک داوران کیفیت است و نیل به آن چشم‌انداز نیازمند تعامل و گفتگوی مبسوط اعضای هر گروه دآوری و نزدیک شدن تأویل آنان از آن گزاره‌ها است.

ضرورت وجود چشم‌انداز مشترک میان داوران اهمیت و حساسیت انتخاب داوران را برای هر طرح به روشنی آشکار می‌کند.

نقش تعیین‌کننده داوران خبره در ارزیابی کیفی و ارزشی طرح حکم می‌کند، علاوه بر صلاحیت‌های تخصصی لازم، سنخیت با هنجارها و ارزش‌های جامعه استفاده‌کننده از طرح در صدر ملاک‌های انتخاب اعضای دآوری قرار گیرد.

دآوری کیفی هنگامی موضوعیت می‌یابد که در ارزیابی‌های اولیه، که عمدتاً معطوف به صحت فنی و پاسخگویی به واجبات برنامه است، طرح را مناسب دانسته باشند.

در اوضاع فعلی توجه به این لایه از وجوه کیفیت دور از واقع نماید، اما چون متن حاضر در پی ترسیم چشم‌انداز ارزیابی کیفی است، ذکر این وجوه اهمیت عمیق نگاه و افق دید نهاد ارزیابی کیفی را روشن‌تر می‌کند. بالاترین ارزش کیفی از آن اثری است که در طول تاریخ ماندگار می‌شود. هویت ویژه این آثار همسازی و وفاق کامل با بستر کالبدی و بستر فرهنگی و نهایتاً با بستر هستی است. البته همین‌جا باید تأکید کرد که تشخیص چنین مرتبه‌ای از ارزش کیفی ظرافت‌هایی دارد که اثبات‌کننده اهمیت و جایگاه داوران خبره است. «در فرایند قضاوت، یک داور نهایتاً از درون خود و باورها و پسندهای خود تغذیه می‌کند و این ملاک‌ها همواره در برابر ضوابط و باید و نبایدهای قانونی قدرت بیشتری خواهد داشت.» (ن)

فرهنگ فارسی عمید واژه هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود منسوب به هو. <sup>۵۱</sup> با نگاهی به عمق کلیدواژه‌های این تعریف، پیچیدگی و دشواری تشخیص میزان تحقق «هویت‌مندی» طرح معماری و نیز اهمیت نقش پختگی و فراست داور در تشخیص آن کاملاً قابل درک است.

اکنون می‌توان به برخی از مهم‌ترین وجوه «هویت» پرداخت (با این ملاحظه که این وجوه فقط برای داور واجد شرایط قابل تشخیص است). هویت در این معنا اعم از حیثیت است و مفهوم آن مرزهای کالبد و فرم و فرهنگ و بوم را نیز درمی‌نوردد و

۵۱. واژه هویت در فرهنگ فارسی معین نیامده است.

۵۲. این جدول حاصل پاسخ‌گفتار دکتر هادی ندیمی است.

## کتابنامه

دفتر فنی آموزشی و پژوهشی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی. تدوین راهنمای ارزیابی طرح‌های معماری. مجری طرح حمید ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران، ۱۳۸۸. (منتشر نشده)

فن مایس، پیپر. عناصر معماری، از صورت تا مکان. ترجمه فرزین فردانش. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.

لاوسون، برایان. طراحان چگونه می‌اندیشند. ترجمه حمید ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.

لنگ، جان. آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینیفر. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

ندیمی، حمید (و.). با برادینت، درباره معماری. مترجمان نیلوفر رضوی، کیوان جورابچی، هدیه نوریخس. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

Carmona, M. and L. Sieh. *Measuring Quality in Planning: Managing the Performance Process*. London and New York: Spon Press, 2004.

Prasad, S. "clarifying Intentions; the design quality Indicator". in *Building research & information*, no.32 (2004).

Snodgrass, A., & R. Coyne. *Interpretation in Architecture, design as a way of thinking*. London and New York: routledge, 2006.

Vitruvius & Morgan, M.H. *The Ten Books on Architecture*. New York: Dover Publications, 1960.

Volker, L. Lauche, K. , Heinz, I.L. & Jonge, H. "Deciding about design quality; Design perception during a European tendering procedure". in *Design studies*, no.29 (2004).

30

2.5.